

مقدمه

انسان دارای سه بعد معرفتی، اخلاقی و رفتاری است که در هم تنیده و از هم متأثرند. از میان این سه، حوزه اخلاق، نه تنها بستری مناسب را برای رشد فضیلت ها ایجاد می کند که زمینه روانی را برای پذیرش معارف و حیانی و عقلانی و تمایل به رفتارهای پسندیده را نیز هموار می سازد. در این میان توجه به اخلاق جنسی، به ویژه عنصر عفاف، جایگاهی خاص دارد تا آن جا که عفت جنسی بافضیلت ترین عبادت ها، برترین جهاد و از صفاتی دانسته می شود که زمینه ساز بهشت است. [1]

1- مدیریت فرهنگ عفاف؛ ضرورت و اهمیت

تحولات اجتماعی در دهه های اخیر، آثار خود را بیش از هر چیز در حوزه اخلاق و تربیت جنسی نشان داده است. در طرح گسترش عفاف و حجاب که توسط نهادهای حکومتی، از جمله نیروی انتظامی پیگیری می شود آن چه ممکن است سبب نگرانی گردد، اقدام به اصلاح وضعیت پیش از دستیابی به تحلیلی جامع و برداشتی صحیح از واقعیت های اجتماعی است. سخنان اخیر وزیر کشور درباره ضرورت ساماندهی و تسهیل در ازدواج موقت نیز صرف نظر از اینکه مبتنی بر مطالعات کارشناسانه و تحلیل ابعاد مسئله بیان شده باشد یا نه، حاکی از دغدغه هایی است که نه می توان نادیده اش گرفت و نه به آن بسنده کرد. اقداماتی که به حساسیت های عمومی یا اخلاق فردی و اجتماعی و موقعیت خانواده گره می خورد، اگر توأم با عقلانیت در روش و جامعیت در تحلیل نباشد، کم نتیجه و پرمخاطره است. موارد زیر را می توان دلیلی بر اهمیت و ضرورت عطف توجه به موضوع اخلاق جنسی و عفاف، به ویژه در مقطع کنونی دانست.

1-1- تأثیر فرهنگ های غیر اسلامی بر نگاه جامعه ایرانی

سیاست کلی اسلام در موضوع اخلاق و تربیت جنسی، تسهیل در ارضای مشروع نیازها، پیشگیری از زمینه های گناه، تقویت خویشن داری (عفاف)، تقویت احساس مسئولیت در دفاع از حریم جنسی، مقابله جدی با مفساد جنسی و اشاعة منکرات در محیط اجتماعی است تا ریسک مشارکت اجتماعی به حداقل برسد. از نگاهی دیگر نادیده گرفتن نیازهای طبیعی انسان، مشکلات جسمی و روانی در پی خواهد داشت و حتی تضعیف جهات معنوی، افزایش زمینه های بزه و ایجاد مخاطره برای سلامت فرد، خانواده و اجتماع را فراهم می آورد. و پیامدهایی چون از میان رفتن حیا، توسعه فقر، تغییر ذائقه جنسی و ضعف پیوندهای زناشویی را به دنبال دارد. با وجود نگاه مثبت و واقع بینانه شریعت اسلام به این نیازها، جامعه ایران نگاه بدبینانه ای به نیازهای جنسی

دارد و گاه تربیت جنسی را صرفاً تاحد خود نگهداری فرو می کاهد. به دلیل همین نگاه منفی و غیر واقع بینانه در فرهنگ مسلط، کمتر کسی جرئت طرح مباحث اساسی را در این حوزه داشته است.

2-1. پیوند میان اخلاق جنسی و سیاست

ارتباط میان این دو مقوله از چهار زاویه قابل بررسی است:

اول. تغییرات فرهنگی و اخلاقی دو دهه اخیر در جامعه، نشان می دهد که نظام سلطه برای مقابله با موج اسلامی خواهی یا «بنیادگرایی اسلامی»، راهبردی مبتنی بر اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی و برداشتن حریم های اخلاقی میان زن و مرد تدوین کرده است. [2] مراجعه به برخی نشریات عمومی و دانشجویی و سایت ها، وجود این سیاست را تأیید می کند. هم اکنون در میان سایت های فارسی زبان، شکستن حریم های اخلاقی، ترغیب به همجنس گرایی، شبهه پراکنی در حوزه اخلاق جنسی به منظور ایجاد تردید در ارزش های اخلاقی مقبول، استفاده از نارضایتی های جنسی نسل جوان، جهت تبدیل آن به جنبش های سیاسی به وفور صورت می گیرد. در مقابل، هرگاه نهادهای مسئول در نظام اسلامی، تدابیری برای سامانمند سازی روابط زن و مرد و پالایش فضای اجتماعی، آغاز می کنند به ناگاه بسیاری از گروه های سیاسی، از سلطنت طلب تا مارکسیست، همراه با برخی گروه های فمینیستی که جنبش زنان را پوشش فعالیت های سیاسی قرار داده اند، هم صدا و هم نوا به میدان مبارزه وارد می شوند. [3]

دوم. حساسیت جامعه مذهبی نسبت به مفاسد جنسی و پیوند خوردن اخلاق جنسی با مشروعیت نظام سیاسی، مسئولیت دولت را در قبال آن دو چندان می کند.

سوم. مدیران نظام، در بسیاری مواقع بحث عفاف و اخلاق جنسی را از زاویه استحکام نظام کاویده اند. سیاسی شدن موضوع، به معنای نادیده انگاری بخشی از ابعاد واقعیت، سبب شده که به موازات پررنگ شدن نگاه سیاسی مسئولان و معرفی شدن مقوله هایی چون حجاب به عنوان نماد سیاسی، مخالفان سیاسی نظام نیز آن را به مثابه موضوعی برای مقابله سیاسی با نظام قلمداد کنند.

چهارم. توسعه مفاسد اخلاقی نه تنها نظام های اجتماعی چون خانواده، اقتصاد و فرهنگ را تهدید می کند، بلکه سبب اختلال در رفتارهای عقلانی نسل جوان می شود و می توان انتظار داشت که حرکت های آنان ناهمسو با اهداف نظام اسلامی و زمینه ساز تعارض سیاسی باشد.

3-1. پیوند میان اخلاق جنسی و اقتصاد سرمایه داری

تغییر در رفتار و اخلاق جنسی با تغییر مناسبات اقتصادی، ارتباطی تنگاتنگ دارد. افزایش محرکات جنسی از یک سو به تغییر الگوی مصرف در استفاده از لوازم آرایشی و پوشاک و به تبع آن منافع گروهی از سرمایه داران، گره خورده است؛ از سوی دیگر، با افزایش شمار مطبوعات گیشه ای و منافع ناشرانی که تحریک زایی را وسیله امرار معاش می دانند، پیوند یافته و از سویی، منافع صاحبان شبکه های فساد و توریسم جنسی را تضمین کرده است. این مهم علاوه بر تبیین ضرورت تغییر در وضع موجود، می تواند پاسخی به این پرسش باشد که چرا مقابله با مفاسد جنسی و اصلاح اخلاق جنسی پرهزینه، مخاطره آمیز و غالباً ناموفق است.

4-1. ناتوانی علوم اجتماعی از شناسایی دقیق معضلات جنسی

در تحلیل های آسیب شناسانه مشکلات خانوادگی و اجتماعی، کم تر شنیده ایم که معضلات جنسی مورد توجه قرار گیرد. این اشکال می تواند از دو نقطه ضعف علوم اجتماعی نشئت گرفته باشد:

اول. غلبه گفتمان لیبرالیستی و چپ بر ساختارهای علوم انسانی که گاه با تمرکز بر مفاهیمی چون «طبقه» از شناسایی دیگر عوامل باز می ماند و گاه با پذیرش آزادی از جمله آزادی جنسی، در زمره ارزش های پذیرفته شده، چشم بر پیامدهای تساهل جنسی فرو می بندد.

دوم. نگاه کلیشه ای در پژوهش های میدانی و فقدان روش های جزء نگرانه در تحلیل مسائل جزئی. از این می توان دریافت که چرا کارشناسانی که به طور مستقیم و با نگاهی مصداقی آسیب های خانوادگی و اختلافات زناشویی را می کاوند، برخلاف کارشناسان علوم اجتماعی، اختلال در روابط جنسی را که ناشی از ضعف مهارتی، بیماری جسمی و روانی و یا ضعف اخلاقی است از مهم ترین عوامل اختلافاتی می دانند که گاه طلاق عاطفی یا رسمی را در پی دارد.

5-1. غفلت از نگاه مدیریتی به اخلاق و تربیت جنسی

در سالیان اخیر دلایل بسیاری وجود دارد که در سالیان اخیر مدیریت اخلاق جنسی، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی، چنان که باید، مورد توجه مسئولان قرار نگرفته است:

اول. بسیاری از مسئولان، یا تربیت را مسئولیتی فردی قلمداد کرده اند و یا بر این باور بوده اند که معضلات اقتصادی ناشی از دوران جنگ، عامل اصلی معضلات اخلاقی است و اصلاحات اقتصادی، مبتنی بر الگوهای رایج توسعه، معضلات اخلاقی را کاهش خواهد داد.

دوم. به عقیده برخی، نظام اسلامی فاقد نظریه جنسی قابل دفاع، روشن و مورد وفاقی است که مبنای سیاستگذاری ها قرار گیرد.

سوم. برخی گمان کرده اند که اصلاحات اخلاقی نیز باید طبق الگوهای رایج توسعه انجام شود؛ غافل از آن که مبنای حاکم بر این الگوها، خود از عوامل تغییر هنجارهای جنسی است.

چهارم. به رغم شعار «پرورش بر آموزش مقدم است»، همواره پرورش در حاشیه آموزش قرار داشته و ضعف نیروی انسانی فرهیخته در حوزه های تربیتی مشهودتر و البته سهم حاشیه نشینی تربیت جنسی، چه در نظام آموزش رسمی و چه غیر رسمی، بیش از دیگر امور بوده است.

2- تضعیف اخلاق جنسی و عفاف؛ نگرانی ها و نمونها

نگرانی از وضعیت اخلاقی جنسی و کاهش رفتار عفیفا در میان فرهیختگان و متدینان، به چهار محور باز می گردد:

- 1- آهنگ سریع گسترش مفاسد اخلاقی؛ 2- کاهش حساسیت های عمومی نسبت به کنترل ناهنجاری ها و مشارکت در اصلاحات اخلاقی؛ 3- کم شدن احساس مسئولیت خانواده در قبال تربیت جنسی فرزندان و نظارت سازنده و مستمر بر آنان و همچنین احساس ناتوانی خانواده آن گاه که به انجام وظیفه اقدام می کند و 4- فقدان باور مشترک، سیاست ها و اصول مشخص و طرح و برنامه های جامع و هماهنگ در مدیریت اجتماعی کشور.
- تغییر شاخص های فوق می تواند حاکی از نموده های اخلاقی زیر باشد:

2-1. کم شدن انگیزه تشکیل خانواده

آن چه در سال های اخیر بیش از هر چیز به کاهش انگیزه ازدواج در اوایل سنین جوانی منجر شده، تغییر در فرهنگ اقتصادی، افزایش سطح انتظارات و کم شدن روحیه قناعت و مواجهه با مشکلات است؛ نه کاهش درآمدهای اقتصادی خانوارها.

نکته دیگر تغییر در اخلاق جنسی است. جوانانی که به سهل انگاری جنسی عادت کرده اند ازدواج را نوعی محدودیت و محرومیت برای رفتار جنسی خود تلقی می کنند.

همچنین جوانانی که در روابط نامشروع؛ به تصویری نادرست از جنس مخالف دست یافته اند، کم تر می توانند برای زندگی مشترک به هم اعتماد کنند.

گفته می شود که یکی از علل افزایش سن ازدواج آن است که دختر و پسر برای مدیریت خانواده، نیازمند کسب دانش و تجربه ای بیش از گذشته اند و به فرصت بیشتری برای کسب آمادگی نیاز دارند، این تلقی خود تأثیر زیادی در کاهش حساسیت های والدین و سهل انگاری آنان در مهارت آموزی به فرزند دارد؛ تا جایی که صلاحیت فرزندان امروز برای ورود به زندگی خانوادگی، در مقایسه با نسل های گذشته، کمتر شده است.

2-2. افزایش طلاق [4] و اختلافات خانوادگی

هم اکنون درصد بالایی از اختلافات، به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه، ناشی از اختلال در اخلاق و تربیت جنسی است. انتخاب همسر از طریق عشق های خیابانی، بدون وجود همسازی فرهنگی و خانوادگی، زمینه های تفاهم در زندگی آتی را کم می کند و بی مبالاتی اخلاقی یکی از دو طرف، هم روابط عاطفی و خلوت جنسی طرفین را تحت تأثیر قرار می دهد [5] و هم اعتماد به طرف مقابل را کم می کند.

2-3. تغییر در الگوی روابط زن و مرد

این تغییرات را می توان در مواردی از این قبیل مشاهده کرد: در روابط سهل انگارانه محارم و غیر محارم در خانواده گسترده، در چگونگی خودآرایی دختران و پسران در محیط های عمومی و مختلط، در تمایل نسل جوان به برقراری ارتباط قبل از ازدواج، در ظهور پدیده دختران خیابانی، در رواج روسپی گری، بی مبالاتی جنسی و قاچاق دختران، در ملاک های گزینش دختران در شرکت های خصوصی و ادارات و در گسترش فضاهای مختلط در محیط های کاری دولتی، غیر دولتی و محیط های علمی. در این جا توجه به چند نکته لازم است:

اول آن که: سن روسپی گری و فرار از خانه در سالیان اخیر کاهش چشمگیری داشته است. [6] آغاز انحراف جنسی در دختران خیابانی، ناشی از ساده لوحی و تصور غلط آنان از زندگی آتی و ناآشنایی با ویژگی های جنس مخالف است. از سوی دیگر کسانی که در تجربه اول فرار از خانه، تجاوز را غالباً در فاصله 24 ساعت، [7] تجربه می کنند، به دلیل فقدان مکانیزم بازپروری، آموزش و حمایت، خود را ناگزیر به ادامه مسیر غلط احساس می کنند. دوم آن که: کاهش آمار روسپی گری (مزدوری جنسی) و افزایش تمایل به بی مبالاتی جنسی در قالب دوست گزینی های بدون هزینه بدان معناست که نمی توان فقر را عامل اصلی فحشا، دست کم در سالیان اخیر، دانست بلکه بی مبالاتی جنسی در وضعیت جدید آن بیشتر عملی انتخاب گرانه است تا عکس العملی از سر ناچاری.

2-4. افزایش اعتیاد و بیماری های جنسی

تغییر الگوی ابتلا به ایدز از اعتیاد تزریقی به روابط جنسی، [8] گسترش رسانه های تصویری جدید (اینترنت، ماهواره و ویدئو CD) و اعتیاد به مشاهده تصاویر پورنو (هرزه نگاری) زمینه ساز بروز رفتارهای ناسالم و پرخطر، از جمله خشونت جنسی است. [9] به این موارد باید اعتیاد به استماع موسیقی های محرک را که هم به تحریک شهوت و هم به ضعف اراده منجر می شود، افزود. [10]

2-5. افزایش شبکه های فساد

این شبکه ها هم در قالب سنتی خود، در شکل ایجاد خانه های فساد به ویژه در نزدیکی مراکز تجمع جوانان و دانشجویان، فعالیت می کنند و هم در قالب های جدید، با تأسیس پایگاه های اینترنتی فارسی زبان به منظور ترویج ابتذال و تابوشکنی اخلاقی و ترویج همجنس گرایی و از سوی دیگر می توان تغییراتی را در الگوی طرح مباحث زنان، در دو دهه اخیر مشاهده کرد که گاه ناشی از فعالیت شبکه ای است. به نظر می رسد از نیمه دهه هشتاد طرح مباحث حقوقی زنان جان گرفته است؛ این بار اما در قالب مباحث حقوق جنسی و طرح پرسش ها و شبهاتی که از یک سو آزاد شدن از قیود جنسی را مطرح می کند و از سوی دیگر حقوق جنسی برابر زنان را خواستار می شود.

2-6. افزایش افسردگی در نسل جوان

امروزه بسیاری از جوانان از اوان بلوغ تا پایان دهه سوم زندگی، بهترین بخش عمر خود را در محرومیت جنسی سپری می کنند. فرهنگ مسلط که برخورداری مالی، ثبات شغلی، تحصیلات و مسکن را پیش شرط آغاز زندگی می داند، در مقام عمل چشم بر نیاز جنسی می بندد. از سوی دیگر نیاز به مونس و همسر، فراتر از نیاز جنسی، با نیاز فطری بشر به سکون و آرامش پیوند خورده است. [11] احساس برخورداری از حمایت عاطفی، احساس مسئولیت و احساس همدلی از عواملی است که به نشاط منجر می شود و زمینه های میل به گناه را کم می کند. محرومیت از تشکیل خانواده در سنینی که بهترین موقعیت برای برقراری ارتباط سالم است، فشارهای عصبی و عدم تعادل در برنامه ریزی و عمل را نتیجه می دهد و به بروز افسردگی می انجامد. احساس یکنواختی و افق ابهام آمیز پیش رو می تواند زمینه ای برای اعتیاد به مواد روان گردان و ورود جوانان به عرصه های هیجان انگیز منفی را فراهم آورد.

از سوی دیگر، تدابیری که به منظور سرگرم سازی نسل جوان اتخاذ می شود، به دلیل آن که این نیاز اساسی جسمی و روحی را پاسخ نمی دهد نمی تواند مانع بروز افسردگی گردد.

3. اخلاق جنسی؛ ظرفیت ها و امیدها

3-1. تعلقات مذهبی در جامعه ایرانی

پیوندهای محکم مذهبی در جامعه ما همواره از مهم ترین عوامل خودنگهداری، احساس مسئولیت و غیرت بوده است. این که در عصر اطلاعات و با سهولت دسترسی به روش های حقیقی و مجازی برای ارضای نامشروع،

اغلب مردم پاکدامنی قبل از ازدواج را یک ارزش می دانند و به شکل انتخاب گرانه عفاف را برگزیده اند، و این که بسیاری از مردم رسانه ها و سیاست ها را در مورد تضعیف اخلاق جنسی مقصر می دانند، نشانگر ظرفیت هایی است که می توان بر آنها در تدوین سیاست ها و برنامه های اصلاحی تکیه کرد. این حساسیت ها به ویژه در شهرهای کوچک و روستاها که از فرهنگ مدرن کم تر متأثر شده اند، تعیین کننده تر است و نباید کلان شهرها را نمایانگر واقعیت کل جامعه دانست.

از سوی دیگر، اغلب مدیران و مسئولان نیز به دلیل روحیه مذهبی، خواهان اصلاح اخلاق جنسی اند.

3-2- ویژگی های جنسیتی

ویژگی طبیعی حیا سبب می شود که میل طبیعی زنان به رفتارهای عفیفاانه بیشتر و از قرار گرفتن در موقعیت های خاص جنسی هراسناک تر باشند. آن چه به عنوان ابتذال در پوشش و آرایش در زنان جامعه شهری مشاهده می کنیم، در بسیاری اوقات، ناشی از حس خودنمایی و ابراز وجود در میان همجنسان است و نباید از هر رفتار زنانه برداشتی جنسی ارائه نمود.

وجود زمینه طبیعی حیا، در صورتی که با آموزش و تربیت صحیح همراه باشد، می تواند هم ضمانتی برای خودنگهداری زنان باشد و هم آنان را در هدایت و کنترل خانواده [12] و ایجاد فضای عفیفاانه در محیط های عمومی و محیط کار توانمندتر سازد. توجه به ویژگی های جنسی مردان از جمله غیرت ورزی که دارای زمینه طبیعی است نیز می تواند در مسیر اصلاح اخلاق جنسی کارآمد تلقی شود.

می توان اذعان داشت که شعار برابری طلبی که گرایش های چپ و فمینیست ها بر آن اصرار نموده و بر آن اساس بر هر چه تفاوت های جنسیتی می نامند تاخته اند، تا چه حد به نفی هویت جنسی زنانه و مردانه، تضعیف حیا و غیرت و آسیب پذیری اخلاقی زن و مرد منجر شده است.

3-3- نهادهای آموزشی و تبلیغی

وجود مراکز سازمان دهنده در امر تبلیغات مذهبی ظرفیت ویژه ای است که می تواند با ایجاد حساسیت در میان مبلغان مذهبی، اطلاع رسانی مستمر به آنان و ایجاد هماهنگی، ده ها هزار نفر مبلغ مذهبی را که به روش چهره به چهره با مخاطبان در ارتباط اند، کارآمدتر و مؤثرتر بسیج نماید؛ چنان که ابزارهای روزآمد تبلیغ نیز می توانند سهم مهمی در ترویج فرهنگ عفاف بر عهده گیرند. از سوی دیگر، نهاد آموزش رسمی کشور دارای بدنه سالم، متشکل از آموزگاران، مدیران و کارشناسان دلسوز است که ظرفیت اولیه را برای آغاز «جنبش تربیتی» به ویژه در حوزه تربیت جنسی دارا می باشد.

4- اخلاق و تربیت جنسی؛ بایسته ها

تدوین اهداف، اصول و سیاست های نظام اسلامی در زمینه گسترش اخلاق و معنویت به ویژه ارتقای اخلاق جنسی از تعهدات آن در برابر جامعه است. دو نهاد اصلی سیاستگذار، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف اند تا سیاست های کلان و راهبردی تعمیق اخلاق و توسعه عفاف جنسی را تدوین نمایند، چنان نهاد قانون گذار نیز لازم است طرح جامع ارتقای اخلاق جنسی را به تصویب رساند. حائز اهمیت است که سیاست ها بسیار شفاف و مبتنی بر نظریه اخلاقی قابل دفاع باشد، نظام خود را موظف به

دفاع از این سیاست ها در عرصه داخلی و بین المللی بدانند.

به طور خلاصه می توان اهداف نظام اسلامی از تربیت جنسی را ارتقای سلامت جسمی و روانی، تقویت معنویت، استحکام و کارآمدی خانواده، و افزایش امنیت اخلاقی در جامعه به منظور تقویت کارآیی زن و مرد در حیات اجتماعی دانست.

این اهداف در چهار بخش «پیش گیرانه»، «تسهیل گرانه»، «مقابله گرانه» و «درمان گرانه» پی گیری می شود. در این جا به برخی از سیاست های حاکم بر هر یک از بخش ها اشاره می کنیم:

4-1. سیاست های پیش گیرانه

از سیاست های پیش گیرانه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف - تقویت ایمان و باورهای مذهبی

احساس پیوستگی با منبع قدرت، حکمت و رحمت بیکرانی که پیوسته در تدبیر عالم است و همچنین غلبه بر مشکلات، شبهات و مخاطرات روانی از بزرگ ترین ثمره های ایمان است که زمینه ابتلا به مفسد اخلاقی را از میان بر می دارد.

برای تقویت ایمان مذهبی نباید صرفاً بر آموزش های رسمی با محوریت اطلاع رسانی مذهبی تکیه نمود، بلکه تقویت زمینه های محبت به خداوند و کم کردن موانع تأثیرپذیری دل هم درخور توجه است. برخی آموزه های اسلامی چون کمک رسانی به مستمندان و تکریم و نوازش یتیمان از جمله زمینه های تسهیل کننده و پرهیز از لقمه حرام، شراب خواری و زورگویی از زمینه های رقت قلب است. در پرورش ایمان مذهبی گرچه خانواده نقش اول را ایفا می کند، نباید نقش مؤثر نظام آموزش رسمی و غیر رسمی را نادیده انگاشت.

ب - تربیت اخلاقی

نظام اخلاقی اسلام بر کرامت نفس و احساس مسئولیت استوار است. انسان موجودی است انتخاب شده و مختار که در مقابل عملکرد خود مسئول است. خداوند هدایت تکوینی خود را با الهام خوبی و بدی، در درون انسان قرار داده است. این نگاه به انسان با آن چه مکاتب لیبرالیستی و مادی تحت عناوین نسبیت گرایی اخلاقی، فردگرایی، روان شناسی لذت جوینه و جبرگرایی به دست می دهند و امروزه در حوزه کارشناسی علوم انسانی گاه به ادبیات مسلط تبدیل شده است تفاوتی بنیادین دارد. [13]

در این راستا ابتدا باید با نگاهی آسیب شناسانه، عملکرد نهادهای فرهنگی و علمی کشور را در حوزه پرورش اخلاقی به تصویر کشید، سیاست های اخلاقی و تربیتی حاکم بر رسانه های عمومی و نظام آموزشی را مورد خوانش انتقادی قرار داد و آن گاه به بازترسیم سیاست ها و اصول حاکم بر این نهادها همت گماشت تا فرآیند پرورش اخلاقی به تقویت احساس مسئولیت، اهمیت یافتن عفاف و تقویت قدرت خویشتن داری منجر شود. به جرئت می توان گفت که هم اکنون رسانه های ملی در کم کردن میزان حیا و ترویج نسبیت گرایی اخلاقی نقش بی بدیلی دارند. آیا مراوده آزاد زن و مرد در فیلم ها و سریال ها و شکستن مرزهای خانوادگی، اصرار به اجرای برنامه ها به صورت مختلط، دارای پیام هایی خاص به مخاطبان نیست و آیا می توان بدون اصلاح رویه رسانه های ملی از آحاد جامعه انتظار اصلاح داشت؟

ج - تربیت جنسی فرزندان

گرچه تربیت جنسی از اوان طفولیت موضوعیت می یابد، از زمان ورود به سن تمییز (حدوداً شش سالگی) وارد

مرحله حساس تری می شود. در این مقطع، هدف اصلی پیشگیری از بروز احساس جنسی قبل از موعد، کم کردن زمینه های سوء استفاده جنسی از کودکان و پیشگیری از بروز عاداتی است که در آینده اخلاق جنسی آنان را با اختلال مواجه می سازد. از سوی دیگر، در این مقطع سنی فرزند رفتارهای عفیفا نه و حیا آمیز را در پوشش، سلوک خانوادگی و اجتماعی فرا می گیرد. [14] پیدایش عادات پسندیده در این مقطع مسیر سلامت جنسی وی را در آینده هموار می سازد. به ویژه در این مقطع رفتار عملی والدین بیش از توصیه های گفتاری در شکل گیری اخلاق جنسی مؤثر است. در مقاطع سنی بعدی نیز تربیت جنسی با تفاوت هایی در مختصات ادامه می یابد.

حال این پرسش مطرح می شود که مسئولیت تربیت جنسی بر عهده چه نهادهایی است؟ مسئولیت تربیت جنسی در مقطع اول عمر (قبل از شش سالگی) بر عهده خانواده و در مقطع دوم که از شش سالگی تا زمان بلوغ را شامل می شود باز هم نقش اصلی را خانواده، به ویژه والدین، ایفا می کنند، اما نباید نظام آموزش رسمی و غیررسمی از جمله رسانه های عمومی را نادیده گرفت.

با ورود به مقطع بلوغ، تغییرات شخصیتی در سنین نوجوانی به ویژه درباره دختران به گونه ای است که اگر رفتار عاطفی و اطلاعات صحیح، راهنمایی های سازنده و نظارت عاقلانه از مجاری صحیح خود جریان نیابد، نوجوان در دام اظهار محبت های ساختگی گرفتار می شود و یا به مسیرهای دیگر کسب اطلاعات مراجعه می کند و فرصت بلوغ به یک تهدید بدل می گردد.

امروزه دو روش در آموزش های جنسی مطرح است. در «روش مدرسه ای» تعلیمات نظری مسائل جنسی یا به صورت مجزا و یا در ضمن دروس علوم طبیعی ارائه می شود. [15] در این روش نخست پاسخ های ساده به پرسش های کودکان داده می شود و سپس در طی برنامه های مصور، فیلم هایی راجع به تولید مثل گیاهان، جانوران و بالاخره انسان، با تمام جزئیات آن، به نمایش می آید. این روش در بسیاری کشورهای غربی متداول و در عین حال مورد انتقاد است. [16]

از جمله انتقادهای آن است که طرح مباحث جنسی، بدون پرده پوشی، خود از عوامل تحریک زاست و تأثیراتی چون تماشای تصاویر پورنو بر جای می گذارد؛ به ویژه آن که این آموزش ها صرفاً در چارچوب مباحث کالبدشناسی و بدون محوریت عنصر حیا و عفاف ارائه می شود. انتقاد دیگر آن است که تمرکز چنین آموزش هایی در مدرسه به ضعف جایگاه هدایتی و نظارتی والدین منجر می شود و آنان را به حاشیه می راند.

در آموزش به «روش خانوادگی» والدینی که از وضعیت جسمی و روانی فرزند خود آگاهی بیشتری دارند، نقش سازنده تری در تربیت جنسی وی ایفا می کنند؛ به ویژه آن که آموزش به روش خانوادگی بر اساس اصول اخلاقی در هاله ای از حیا انجام می شود و هدف اصلی آن تقویت خویشن داری جنسی است. در این جا مدرسه می تواند نقش مکمل خانواده را ایفا کند و انجمن خانه و مدرسه مسئولیت ارتقای آگاهی و تقویت احساس مسئولیت والدین را بر عهده گیرد. [17] سیستم آموزشی هم در این عرصه با طرح مباحثی چون شیوه های کنترل و تعدیل غریزه جنسی، آشنایی با امراض و خطرات جنسی، پیامدهای مفا سد اخلاقی در حیات اجتماعی، بیان مسائل شرعی درباره بلوغ و تکلیف و پرورش فضائل اخلاقی از جمله حیا و عفاف به خانواده مدد می رساند و سعی می کند تا هم از نظارت و هدایت والدین پشتیبانی و از آن دفاع کند و هم فرزندان را به مراجعه به والدین تشویق نماید.

مرحله ی بعدی پرورش جنسی به منظور توانمند سازی دختر و پسر برای آغاز زندگی مشترک است که آشنایی با جنس مخالف، اهداف ازدواج، جایگاه و کارکرد خانواده، نقش های مشترک و مختص زن و مرد، راه های تسهیل

ازدواج، شیوه های همسرگزینی و مباحثی از این دست را شامل و در سنین مناسب با ازدواج ارائه می شود. آموزش های خاص مربوط به روابط زناشویی نیز در آستانه تشکیل خانواده به جوانان ارائه می گردد. نکته اساسی در تربیت جنسی توجه به ویژگی های جنسیتی و آثار متفاوت بلوغ بر هر یک از دو جنس است که می تواند پاسخ گوی بسیاری از پرسش های ما در مورد تفاوت عملکرد دختر و پسر باشد. مردان در حوالی سن بلوغ، پر از انرژی تعریف نشده اند و همه این انرژی ها نیازمند هدایت فرهنگی هستند، در غیر این صورت مردان به طور قابل ملاحظه ای بیشتر مستعد اعمال پست و غیر مسئولانه شهوانی هستند. [18] د- تقویت هویت های گروهی و اخلاق حرفه ای

پیوندهای گروهی آن گاه که در مسیر اهداف اخلاقی و معنوی، تقویت همگرایی اجتماعی و تعمیق ارزش های فرهنگی قرار گیرد، احساس ارزشمندی و مثبت اندیشی را به عنوان ارزش های مثبت خود به افراد منتقل می سازد. در این جا مهم آن است که شخص خود را تحت اشراف، هدایت و نظارت گروه احساس می کند و این موضوع زمینه های خودنگهداری را افزایش می دهد. امروزه در جوامع صنعتی که بسیاری از پیوندهای سنتی، همچون پیوند طایفه ای، تضعیف شده، جایگزین های کارآمدی مورد نیاز است تا همبستگی گروهی را در مسیر ارزش های فرهنگی و اخلاقی تقویت نماید. به نظر می رسد تدوین اخلاق حرفه ای و ترویج و تعمیق آن می تواند آثاری مثبت در پی داشته باشد. مثلاً تدوین، ترویج و تعمیق اخلاق دانشجویی می تواند مرز رفتار دانشجویی و غیر دانشجویی را نشان دهد؛ به گونه ای که مثلاً رعایت حریم استاد، پرهیز از رفتارهای غیر علمی در محیط علمی، آراسته پوشی، رعایت حریم ارتباطی با جنس مخالف و وقار در رفتارهای سیاسی و اجتماعی «مرام دانشجویی» تلقی و تخطی از آن تحقیر و انزوا در محیط های علمی را در پی داشته باشد. می توان انتظار داشت که اگر هویت دانشجویی در جامعه ارزشمند تلقی شود و مدیریت فرهنگی کشور بتواند اخلاق صنفی را به طور صحیح ترسیم و ترویج نماید، بسیاری از حرکت های سخیف غیر فرهنگی و غیر اخلاقی در محیط های علمی برچیده شود. ه- تقویت موقعیت خانواده

امروزه بسیاری از معضلات فرهنگی و اجتماعی ما ناشی از آن است که نه خانواده در فرآیند تربیت چون گذشته فعال عمل می کند و نه جایگاه وی مورد احترام نهادهای حکومتی و غیر حکومتی قرار می گیرد. می توان بر این ادعا اصرار نمود که رسانه های عمومی و نظام آموزش رسمی، خانواده را دور زده اند و علوم اجتماعی نیز با ارائه تئوری ها و تحلیل های به ظاهر علمی، کاهش اقتدار و تأثیرگذاری خانواده را طبیعی قلمداد کرده و از کنار آن با تسامح و سادگی گذشته اند.

برای بازگرداندن خانواده به جایگاه محوری خود، باید با افزایش آگاهی ها، اقتدار، احساس مسئولیت و انتظارات از والدین خانواده را به رسمیت شناخت. نیل به این منظور، سیاست گذاری و برنامه ریزی دستگاه های نظام و تغییر سیاست های حاکم بر نظام آموزش رسمی و رسانه های عمومی را طلب می کند. از سوی دیگر باید به تدوین «مرامنامه خانواده» که تبیین کننده هویت خانواده است اقدام نمود تا بتوان بر اساس آن والدین خطاکار و سهل انگار را از والدین کوشا و متعهد بازشناخت و حتی در مواقعی نسبت به سهل انگاری ها بازخواست نمود. و- اصلاح الگوی غنی سازی اوقات فراغت

از آن جا که مشکلات جنسی به ویژه در نوجوانان با اوقات فراغت نسبتی معنادار دارد، لازم است آنان به مسیرهای فعالیت مثبت در زمان فراغت هدایت شوند. اگر فعالیت های زمان فراغت نشاط بخش و متفاوت از

برنامه های اصلی باشد می تواند یکنواختی حاصل از فعالیت های اصلی را برطرف و شخص را آماده شروع مجدد نماید. مناسب تر آن است که این برنامه ها انرژی بدنی و قدرت ابتکار و فعالیت آنان را درگیر نماید. سرگرمی هایی که فاقد این دو ویژگی هستند نمی توانند کاملاً در مسیر کارآیی قرار گیرند.

باتوجه به آن که، متأسفانه، در فرهنگ کنونی جامعه ما، بیکاری و تن آسایی قبح خود را تا حدودی از دست داده است باید تلاش اصلی سیاستگذاران و برنامه ریزان به سمت اصلاحات فرهنگی به منظور قبیح شمرده شدن بیکاری باشد، باید جایگاه کار و تلاش به قدری ارزشمند گردد که افراد برای فراگیری مهارت حتی حاضر به هزینه کردن باشند. تشکیل گروه های اجتماعی و سازمان های مردم نهاد، ایجاد رقابت های سالم در فعالیت های اجتماعی و ایجاد نهادهای مشاوره که مسئولیت آن معرفی فعالیت های مفید و امکانات حمایتی و کارآموزی باشد، در پیشبرد این مقصود مؤثر است.

از آن جا که ورود به سن بلوغ و رشد و احساس شخصیت جدید در نوجوانان و جوانان آنان را به حق انتخاب و استقلال سوق می دهد باید مجاری مناسبی برای اعمال حق انتخاب آنان ایجاد شود و مسیر سرگرمی و فعالیت های مفید اجتماعی متنوع تر شود؛ وگرنه این احساس در مسیرهای غلط از جمله انتخاب رفتارهای خاص اجتماعی و ترویج ناهنجاری ها به کار گرفته می شود و یا احساس محدودیت، به مقاومت درعرصه سیاسی تبدیل می گردد.

4-2. سیاست های تسهیل گرانه

ضرورت تربیت جنسی از این جا منشأ می گیرد که انسان باید از میان زهد و حرص جنسی راهی میانه، نشاط بخش و آرامش بخش را برگزیند. آموزه های دینی بر عفاف، در کنار سهولت دسترسی، تأکید کرده است. [19] متأسفانه فرهنگ مسلط در جامعه مذهبی ما آن قدر تنگ نظرانه به مسائل جنسی می نگرد که موجب گریز نسل جوان از مذهب و روی آوری به گناه شده است. بنابراین لازم است با سنت های غلط مقابله و احساس محرومیت جنسی را تا حد امکان کاهش داد.

برخی سیاست های تسهیل گرانه عبارتند از:

الف - اصلاح فرهنگ اقتصادی

موانع ازدواج جوانان بیش از آن که از فقدان شغل و مسکن مناسب ناشی شود، معلول بالا رفتن سطح انتظار از زندگی، غلبه فرهنگ تن آسایی بر کار و تلاش، کم شدن روحیه قناعت و افزایش آینده نگری های هراس افزاست. در فرهنگ مذهبی مفاهیمی چون توکل، امید، قناعت، رضا، تلاش و همیاری دست به دست هم می دهند تا زندگی ساده تر و در عین حال با نشاط تری را امکان پذیر نمایند. در زمان ما منافع سرمایه داری ایجاب می کند که سطح توقعات از زندگی بالاتر رود و مصرف افزایش یابد تا چرخ صنعت از گردش نایستد.

از این رو پیش شرط اصلاح اخلاق جنسی و تسهیل ازدواج تغییر نگرش به زندگی اقتصادی است که این تغییر نگاه خود به اصلاح سیاست های کلان اقتصادی و فرهنگی کشور وابسته است.

ب - حمایت از تشکیل و پویایی خانواده

بدین منظور ایجاد شورای عالی خانواده پیشنهاد می شود تا تدوین سیاست ها و طرح هایی را که آسان سازی تشکیل خانواده و استحکام و کارآمدی آن را نتیجه دهد، در دستور کار قرار دهند. اعطای اولویت اشتغال به افراد سرپرست خانوار، اعطای معافیت های مالیاتی به افراد متأهل نسبت به مجرد و یا پرهزینه کردن جذب افراد

مجرد، به ویژه بانوان، برای کارفرمایان، به ویژه در بخش های خصوصی، اعطای تسهیلات ویژه به متاهلان از جمله در حذف یا کاهش خدمت سربازی و اعطای وام و تسهیلات مسکن، ارائه خدمات ویژه به کارمندانی که به ازدواج اقدام می کنند، تدوین سیاست هایی که به ترویج فرهنگ ساده زیستی، تمایل به ازدواج و کم کردن تمایل به تک زیستی و مجرد زیستی منجر می شود، از مواردی است که می تواند در دستور کار قرار گیرد.

ترویج ازدواج بدون تشکیل خانواده تا برطرف شدن محدودیت های طرفین، مهارت آموزشی تشکیل و اداره خانواده، هم توسط خانواده ها و هم نظام آموزشی رسمی و غیررسمی یک اولویت است.

ج - توجه به مکمل های تشکیل خانواده

هنجارهای اجتماعی غالباً به هم پیوسته و در هم تنیده اند؛ به این معنا که تغییر در برخی هنجارها آثار خود را در دیگر هنجارهای مرتبط نیز بر جای می گذارد و برای ایجاد اصلاحات اجتماعی نیز تغییر در مجموعه ای از هنجارهای به هم پیوسته الزامی است.

در جامعه اسلامی ما، در یک سده قبل، ازدواج در اوایل سن رشد انجام می شد، تحریکات جنسی بسیار محدود بود، فرهنگ حاکم تک زیستی زنان را حتی پس از مرگ همسر یا جدایی از وی تقبیح می نمود و مردان را وای می داشت تا چتر حمایتی خود را بر آنان به عنوان همسران اول یا دوم و یا به عنوان همسران موقت بگسترند. در این جامعه اگر یک نفر گرفتار فساد یا تعرض جنسی می شد مکانیزم های سنتی برای بازگشت آنان به خانواده، پس از توبه، در نظر گرفته می شد. بالطبع در چنین جامعه ای تربیت جنسی شکل ساده تری به خود می گرفت که غالباً خانواده به آن اقدام می نمود.

در زمان ما با وجود بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تحریکات جنسی، تغییر الگوی مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان و حتی تغییر الگوی مصرف کالری که توانمندی جنسی را افزایش می دهد، نتوانسته ایم هنجارهای مناسب آن را در چارچوب شرع طراحی کنیم. امروزه نیاز به کارآمدسازی شیوه های تربیت جنسی، افزایش مهارت ها در روابط زناشویی، فرهنگ سازی برای مقبولیت ازدواج موقت و تعدد زوجات از ضرورت هایی است که بیش از گذشته خود را نشان می دهد. با آن که هم اکنون میزان دختران آماده ازدواج بیش از پسران است، افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها توسط جنس مذکر، آینده دختران روستایی را با ابهام مواجه کرده است [20] و بیش از هشتصد هزار زن سرپرست خانوار که نزدیک به نیمی از آنان زیر خط فقر قرار دارند با نیازهای اقتصادی، عاطفی و جنسی مواجه اند. [21]

باید پذیرفت که اجرای دو حکم ازدواج موقت و تعدد زوجات بدون تعیین ضوابطی که از پیامدهای منفی آن بکاهد و آن را در مسیر مصالح خانواده و اجتماع قرار دهد، زندگی خانوادگی را به مخاطره می افکند. اما پذیرش این مهم ضرورت ضابطه مندسازی اصلاحات فرهنگی به منظور بالا بردن آستانه تحمل خانواده و جامعه برای پذیرش این دو موضوع، ایجاد زمینه های کارآمدی و کم کردن آسیب های مترتب بر آن را نتیجه می دهد نه نفی کلیت آن را. شایسته است کسانی که همواره از زوایه حساسیت های همسر اول به موضوع نگریسته اند از موضعی رفیع تر و از زاویه مدیریت اجتماعی آن را تحلیل کنند تا مصلحت همسر دوم، مصلحت رعایت حدود شرعی و اخلاق جنسی نیز در نظر گرفته شود. باید از کسانی که همواره مشکلات ناشی از تعدد زوجات و ازدواج موقت را پیش می کشند، ضمن پذیرش بخشی از پیامدها پرسید که میان التزام به راه های مقرر شرعی با وجود برخی مشکلات و میان پذیرش مفسدات جنسی باید کدامیک را برگزید؟

د- افزایش مهارت های زناشویی

لازم است در آستانه و پس از تشکیل خانواده آموزش هایی به زوجین داده شود که نتیجه آن احساس رضایت از تأمین نیاز جنسی در درون خانواده باشد.

4-3. سیاست های مقابله گرانه

در سیاست های مقابله گرانه هدف مقابله با انحرافات، پس از وقوع آن است. در این رابطه به چند مورد اشاره می کنیم:

الف - تقویت حساسیت و غیرت عمومی

بی تردید تا مبارزه با مفاسد اخلاقی به مطالبه عمومی تبدیل نشود هیچ دولتی نخواهد توانست در کنترل ناهنجاری های اخلاقی به موفقیت نایل گردد؛ به ویژه آن که این ناهنجاری ها از گستردگی هم برخوردار باشد. هم اکنون چنین احساس می شود که حساسیت عمومی کاهش یافته و یا شکل سازماندهی شده و کارآمدی به خود نگرفته است. به نظر می رسد علاوه بر تغییرات ارزشی، می توان به مکانیزم هایی اشاره کرد که مبتنی بر ایده دولت محوری، مردم را از مواجهه مستقیم با ابتذال باز داشته است؛ حال آن که با ملاحظه متون اسلامی این احتمال تقویت می گردد که سیاست بر حضور مؤثرتر مردم، البته با حفظ موازین بوده است. بها دادن به حضور مردم در چنین صحنه هایی خود به تقویت حساسیت های عمومی منتهی می شود.

تبیین ضرورت توجه به همگانی بودن فضای اجتماعی و رعایت احترام جامعه انسانی و مصالح عمومی، تقویت پیوندهای اجتماعی و توجه به ارزش های ثابت اخلاقی از محورهای مهمی است که انگیزه مشارکت عمومی را در پاکیزگی فضای اجتماعی بیشتر می کند. در قدم بعد لازم است مردم نسبت به مسئولیت های خود آموزش ببینند تا مشارکت آنان در کنترل اجتماعی، خود پیامدهای منفی بر جای نگذارد. از نکات مهم آن است که مردم به سمت ایجاد گروه های متشکل یا دست کم تقویت حس همبستگی تشویق شوند، چون در بسیاری موارد صرفاً اقتدار جمعی است که می تواند تأثیر گذار باشد.

مراتب مداخله مردم از تبیین مسئله برای اشخاص نا آگاه آغاز می گردد و به صورت اظهار ناراحتی، توصیه به خودنگهداری، ممانعت از انجام عمل خلاف و حتی تهدید به مقابله ادامه می یابد. البته مقابله عملی منوط به هماهنگی با دستگاه قضایی است. [22]

تقویت کنترل اجتماعی با محوریت حساسیت عمومی گرچه در شمار موارد مقابله گرانه قرار گرفت اما تأثیر پیشگیرانه آن نیز نباید نادیده انگاشته شود. وجود چتر نظارتی قوی از ابتدا زمینه ارتکاب به جرم را کم خواهد نمود. از سوی دیگر، تقویت غیرت ورزی از بعد نظارت بر اعمال دیگران فراتر می رود و عملکرد شخص غیور را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. شخص غیور در قدم اول نسبت به اعمال شخص خود حساس است. [23]

ب - مقابله قاطع با مظاهر علنی فساد

لازم است با تدابیری هزینه مقابله با فساد کاری را افزایش داد؛ وگرنه شیوع مفاسد اخلاقی خود به بی تفاوتی اجتماعی نیز منجر می شود. اجرای علنی حدود شرعی که در دو دهه اخیر با ملاحظات و فشارهای بین المللی و تحت فشار عوامل داخلی به محاق رفته است، اثر بازدارنده مؤثری دارد. البته اجرای آن با توجه به تغییر ذائقه عمومی باید با تمهیدات مناسب همراه باشد. از سوی دیگر باید تابوشکنان در حوزه اخلاق نظری را که با بسط نسبیت اخلاقی زمینه های فرهنگی ابتذال را فراهم می کنند، در زمره مجرمان قلمداد و با آنان با جدیت مقابله نمود.

ج - مقابله ویژه با حرکت های سازماندهی شده

شیوه های مقابله با باندهای فساد، به ویژه اشکال جدید آن، به نظر ناکافی می رسد. بدین منظور هم برای شناسایی آنها اهتمام ویژه ای لازم است و هم برای مقابله با آنها. باید توجه نمود که اهداف برخی از باندها از منافع اقتصادی فراتر رفته و تضعیف جامعه اسلامی از طریق توسعه مفاسد اخلاقی در نسل جوان و تضعیف اقتدار ملی را شامل می شود که در این صورت ممکن است مصداق محاربه قرار گیرد.

4-4. سیاست های درمان گرانه

اسلام انسان را موجودی مختار می داند که می تواند سرنوشت خود را تغییر دهد. ساختارهای غلط اجتماعی و زمینه های فاسد خانوادگی، رافع مسئولیت شخصی و مجوز اقدام به بزه نیست. شخص گنهکار به دلیل آن که بر اصلاح وضعیت خویش تواناست و از درون نیز به تقوا فراخوانده می شود، نسبت به تغییر سرنوشت خود مسئول است.

مفهوم توبه در ادبیات اسلامی به عنوان یک واجب فوری، هم نمایانگر مسئولیت فرد است و هم مسئولیت جامعه در ایجاد فضای مناسب برای توبه و پذیرش شخص توبه کار. اما جامعه ما با تضییقات بیش از حد، راه بازگشت را بر خطاکاران می بندد و آنان را به ادامه مسیر غلط وامی دارد.

بدین منظور علاوه بر ترویج فرهنگ توبه لازم است مکانیزم هایی برای کارآمدی آن در نظر گرفته شود. شخص خطاکار بیش از هر چیز باید خود را مواجه با مطالبه وجدان شخصی و وجدان عمومی جامعه برای بازگشت به مسیر صحیح احساس کند. در قدم بعد باید مطالعه ای بر وضعیت شخصی و خانوادگی چنین اشخاصی انجام شود تا در صورتی که خانواده شرایط اخلاقی لازم را برای پذیرش فرد دارد، بازپروری وی با محوریت خانواده انجام شود.

مراکز بازپروری در صورتی توصیه می شوند که هم خانواده ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده باشد و هم این مراکز به واقع مراکز بازپروری باشند نه مراکز نگهداری؛ وگرنه خوف آن هست که این مراکز خود کانون تبدیل بزه های فردی به جرایم سازمانی شوند. بازپروری روانی و اخلاقی افراد تحت نظر مشاوران کارآمد، ایجاد زمینه های اشتغال و زمینه سازی برای ازدواج آنان پس از احراز صلاحیت اخلاقی از جمله راه کارهاست. در شرایط درمان گری هم باید شخصیت خفته آنان را بیدار نمود و با شخصیت دادن به آنان سطح توقعات خودشان و جامعه را از آنان افزایش داد، هم آنان را به فعالیت مستمر واداشت تا بیکاری زمینه وسوسه بازگشت به گناه را برای آنان فراهم نکند و هم نظارت بر آنان را استمرار بخشید. [24]

نتیجه گیری

حساسیت آموزه های دینی به اخلاق و تربیت جنسی و تأثیرات فردی، خانوادگی و اجتماعی عفاف یا ابتذال جنسی، مسئولیت خطیری بر عهده نظام اسلامی، نهادهای تخصصی، حوزه های علوم دینی و کارشناسان، پژوهشگران و مبلغان نهاده است. در قدم اول، تشکیل گروه کارشناسی زیر نظر مستقیم ریاست قوه مجریه ضروری است تا تحلیلی جامع از وضعیت موجود به دست دهد؛ سرفصل های اصلی موضوع را ترسیم کند و با ترسیم نقشه راهبردی، جایگاه نهادهای دولتی و غیردولتی را در هر بخش به وضوح مشخص نماید و با این کار زمینه هماهنگی ثمربخش نهادها را در حوزه اخلاق جنسی بر عهده گیرد. از سوی دیگر، جامعه کارشناسی کشور

در پیوند با نهادهای رسمی نظام باید مسئولیت های خود را به خوبی ایفا کند و بهای لازم را در تدوین سیاست ها و برنامه ها به دست آورد. حوزه های علوم دینی نیز لازم است با ورود به عرصه های کاربردی و پرهیز از کلی گویی، در تعامل با جامعه کارشناسی و نهادهای دولتی، با نقد عالمانه ساختارها و دیدگاه های علمی رایج و با تحلیل های موضوع شناسانه به تبیین روشمند آموزه های دینی بپردازند تا همکاری ثمربخش این نهادها به ترسیم شاخص های رشد اخلاقی جامعه اسلامی، تحلیل جامع وضع موجود، افق های پیش رو و برنامه عمل ملی نظام در زمینه اخلاق و سلامت جنسی منجر شود.

پی نوشت ها :

- [1] . ر.ک: الحر العاملي، وسائل الشيعه، ج 21، ح 25827 و محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 70، ص 4، ح 2.
- [2] . ر.ک: محسن آژيني، «نشانه های خط نفوذ»، روزنامه رسالت، 3/11/74، ص 2.
- [3] . ر.ک: «تبدیل اعتراض برعلیه حجاب به جنبش عام سياسي»، 3/2/86، (به نقل از: خبرنامه داخلی مرکز فرهنگی زنان، ش 5) www.akhbar-rooz.com؛ جنبش های سیاسی در ایران با تاکید بر مطالبات زنان، 2/2/86، (سازمان دانش آموختگان دفتر تحکیم وحدت) www.advarnews؛ نبرد بی پایان حجاب، www.shahrazadnews.org؛ طرح جدید سرکوب زنان محکوم به شکست است. www.roshangary.net.
- [4] . در سال گذشته آمار ازدواج 4 درصد و آمار طلاق 8/6 درصد افزایش نشان می دهد (توسعه، 28/1/86 و کیهان، 9/12/85، ص 15).
- [5] . چنان که به گفته پیامبر اکرم(ص) زنا لذت همسر را می برد (ر.ک: الحسن بن الفضل الطبرسی، مکارم الاخلاق، ص 238).
- [6] . ر.ک: «کاهش سن دختران فراری به 13 سال»، آفتاب یزد، 23/4/83، ص 9 و «46 درصد دختران فراری دانش آموز هستند»، کارگزاران، 15/11/85، ص 17.
- [7] . فاصله 24 ساعته دختران فراری تا تجاوز (مصاحبه مدیر کل دفتر پیشگیری از آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی با رادیو B.B.C) به نقل از: www.khabarchin.com 21/10/84.
- [8] . ر.ک: سید هادی معتمدی، «طرح های سامان دهی روسپیان»، نظام اسلامی و مسئله روسپیگری، ص 275.
- [9] . ویکتور بی. کلاین، «هرزه نگاری و تهاجمات جنسی علیه زنان»، سیاحت غرب، ص 57.
- [10] . ر.ک: سید روح الله موسوی خمینی، چهل حدیث، ص 8.
- [11] . ر.ک: روم (30) آیه 21؛ اعراف (7) آیه 189 و محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج 101، ص 327، ح 7.
- [12] . به گفته ویلیام گاردنر این زنان هستند که میل جنسی مردان را به گونه ای هدایت و محدود می کنند که در خدمت خانواده قرار گیرد (ر.ک: ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص 204).
- [13] . امروزه می توان جریان انتقادی مهمی را در جامعه علمی غرب یافت که نگاه مسلط در این عرصه های علمی را به چالش می کشد (ر.ک: ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده).
- [14] . ر.ک: محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، ص 147 و 202.
- [15] . ر.ک: غلامرضا متقی فر، «آموزش جنسی در مدارس»، فصلنامه تربیت اسلامی، ص 153.

- [16] . ر.ک: ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص 147.
- [17] . مورالی دانیو، آندره، جامعه شناسی روابط جنسی، ترجمه حسن پویان، ص 149 - 154.
- [18] . ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص 87.
- [19] . آموزه هایی که اوایل سن رشد را برای دختران بهترین سن ازدواج می داند، تأخیر در ازدواج دختران و سخت گیری والدین را زمینه ساز بروز فتنه و مفسد اخلاقی عظیم می داند، و والدین و بزرگان را به اقدام برای ازدواج جوانان ترغیب می کند، از مواردی است که می تواند بر این ادعا مهر تأیید بزند (ر.ک: الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 2، ص 60-64، باب 22 و 23 و ص 76-79، باب 38).
- [20] . رئیس مرکز امور مشارکت زنان اعلام کرد که در سال 1381، 41 درصد دختران روستایی زمینه ازدواج را از دست داده اند.
- [21] . ر.ک: سخنان «دکتر آمنه ستاره فروزان، مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده سازمان بهزیستی»، گزارش هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و رویکردها، ص 75 .
- [22] . در برخی آموزه های دینی به مبارزه منفی به عنوان یکی از روش های مقابله توجه شده است تا شخص متخلف تحت فشار روانی دست از عمل ناپسند خود بردارد (ر. ک: الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 145 ح 21198 تا 21200).
- [23] . «پاکدامنی شخص به اندازه غیرت اوست»، (حبیب الله خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج 21، ص 86). «انسان غیرتمند هرگز تن به زنا نمی دهد»، (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج 19، ص 211، حکمت 305).
- [24] . برای آشنایی با مباحث تفصیلی تر در موضوع اصلاح و بازپروری ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، نظام اسلامی و مسئله روسپی گری، ص 110 - 129.